

Finding a Model for Iranian Constitutionalism; Content Analysis of the Poem "Mikadunameh"

Mehdi Faraji^{1*}, Reza Nasiri Hamed²

1. Department of History, University of Tabriz, Tabriz, Iran.
2. Department of Political Science, University of Tabriz, Tabriz, Iran

Received: 2024/07/30	Received in Revised Format: 2024/08/30	Accepted: 2024/09/03	Published: 2024/09/22
----------------------	--	----------------------	-----------------------

Abstract

The Iranian constitution had numerous historical, political, social and economic grounds and was able to gather significant segments of the people under the demand of constitutionalism. However, the realization of such an important event was not possible and feasible without paying attention to the events and happenings in other countries. One of these countries was Japan, which Iranians paid special attention to for some reason. In addition to the fact that Japan was an Asian country and began its modernization concerns almost simultaneously with the developments in Iran, another issue that added to the importance of Japan's case for Iranians was Russia's historical defeat by Japan, which particularly added to the inspiration from Japan combined with a sense of admiration and regret among Iranians, especially since Iranians had experienced Russia's power firsthand during long battles in their contemporary history and considered Russia invincible due to the failures that had occurred. One of the most important effects of Japan's victory over Russia was the Iranians' emphasis and acknowledgement that the reason for the success of this fledgling country in international equations was due to its constitutional structure and the implementation of reforms in the country. One of the notable reports by Iranians at this time was organized in the form of the Mikado-nameh, a poetic work that provided an Iranian narrative of the events of Japan's struggle against Russia. In this regard, this poetic work is addressed by analyzing the content and emphasizing the concept of constitutionalism and its accompanying themes such as the country's efficiency, progress, and power, and shows how, through a historical report in poetic language, constitutionalism is linked to various themes of development, efficiency, and power in the emerging global conditions, and Japan is included among the models and patterns for Iranian constitutionalism.

Keywords: Iranian constitutionalism, the Russo-Japanese War of 1904-1905, the Japanese constitutionalism, Hossein Ali Tajer Shirazi, Mikadonameh.

Cite as: Faraji, Mehdi; Nasiri Hamed, Rez. Finding a Model for Iranian Constitutionalism; Content Analysis of the Poem "Mikadunameh. Iranian History of Culture. 2024; 1(2): 118-133.

Owner and Publisher: University of Tabriz

Journal ISSN (online): 3060-8066

Access Type: Open Access

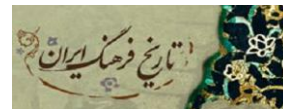
DOI: 10.22034/IHC.2025.65675.1041

*Corresponding Author: Associate Professor of University of Tabriz, Tabriz, Iran
m.faraji@tabrizu.ac.ir



Copyright ©The authors

Publisher: University of Tabriz



الگویابی برای مشروطیت ایران؛ تحلیل محتوای منظومه «میکادونامه»

مهدی فرجی^{۱*}، رضا نصیری حامد^۲

۱. گروه تاریخ، دانشگاه تبریز، تبریز، ایران
۲. گروه علوم سیاسی، دانشگاه تبریز، تبریز، ایران

دریافت: ۱۴۰۳/۰۵/۱۹ بازنگری: ۱۴۰۳/۰۶/۰۹ پذیرش: ۱۴۰۳/۰۶/۱۳ انتشار: ۱۴۰۳/۰۷/۰۱

چکیده

مشروطه ایران زمینه‌های تاریخی، سیاسی، اجتماعی و اقتصادی متعددی داشت و توانست افشار قابل توجهی از مردم را ذیل خواسته مشروطه‌خواهی جمع نماید. با این حال، تحقق چنین رویداد مهمی بدون توجه به اتفاقات و رخداد‌های کشورهای دیگر میسر و مقدور نبود. یکی از این کشورها، ژاپن بود که ایرانیان بنا به دلایلی توجه ویژه بدان داشتند. افزون بر اینکه ژاپن کشوری آسیایی بود و دغدغه نوسازی را تقریباً همزمان با جریانات ایران آغاز نمود، مسئله دیگری که بر اهمیت مورد ژاپن در نزد ایرانیان می‌افزود، شکست تاریخی روسیه از ژاپن بود که این امر به طور خاص به الهام گرفتن از ژاپن توأم با حس تحسین و در عین حال حسرت ایرانیان افزود به ویژه که ایرانیان در تاریخ معاصر خویش قدرت روسیه را از نزدیک در خلال نبردهای طولانی دریافته بودند و به دلیل ناکامی‌های روی داده، روسیه را شکست‌ناپذیر قلمداد می‌نمودند. یکی از مهم‌ترین آثار پیروزی ژاپن بر روسیه، تأکید و اذعان ایرانیان بدین نکته بود که دلیل کامیابی این کشور نوپا در معادلات بین‌المللی به ساختار مشروطه و تحقق اصلاحات در این کشور بازمی‌گردد. یکی از گزارش‌های قابل توجه ایرانیان در این زمان، در قالب منظومه میکادونامه به نظم درآمده و روایتی ایرانی را از وقایع ژاپن در مبارزه با روسیه به دست داد. در این راستا، با تحلیل محتوا و تأکید بر مفهوم مشروطه و مضامین همراه و هم نشین آن از قبیل کارآمدی، ترقی و قدرت کشور به این اثر منظوم پرداخته شده و نشان داده می‌شود که چگونه از خلال گزارشی تاریخی به زبانی منظوم، مشروطه با مضامین مختلفی از توسعه، کارآمدی و قدرت کشور در شرایط نوظهور جهانی پیوند یافته و ژاپن در زمره مدل‌ها و الگوهای برای مشروطیت ایران قرار می‌گیرد.

کلیدواژه‌ها: مشروطیت ایران، جنگ ۱۹۰۴-۱۹۰۵ ژاپن و روسیه، مشروطه ژاپن، حسین علی تاجر شیرازی، میکادونامه.

نحوه ارجاع: فرجی، مهدی، نصیری حامد، رضا. "الگویابی برای مشروطیت ایران؛ تحلیل محتوای منظومه «میکادونامه»". تاریخ فرهنگ ایران.

۱۴۰۳: ۱۱۸-۱۳۳، (۲) ۱.

صاحب امتیاز و ناشر: دانشگاه تبریز

شاپای الکترونیکی: ۸۰۶۶-۳۰۶۰

نوع دسترسی: آزاد

DOI: 10.22034/IHC.2025.65675.1041

مشروطه در ایران ریشه‌های خودجوش و به اصطلاح بومی برآمده از تطورات مختلف سیاسی، فرهنگ و اجتماعی داشت با این حال، تکوین و تکامل ایده آن بدون مقایسه با موارد مشابه ممکن و میسر نمی‌شد. یکی از الگوهای مورد توجه ایرانیان، مشروطه ژاپن بود که سبب گردید ایرانیان درصدد الهام گرفتن از آن برآمده و متفکران بسیاری، زمامداران ایرانی را به تأسی از این مدل ترغیب نمایند. موضوعی که بر اهمیت چنین توجهی به ژاپن می‌افزود، پیروزی این کشور بر روسیه بود و ایرانیان که بسیار از روس‌ها صدمه دیده بودند و آن را قدرتی والا و برتر در قلمرو نظامی می‌پنداشتند، به صورتی جدی در این باب مذاقه نمودند که سر کامیابی ژاپن در نبرد با همسایه شمالی ایران و هزیمت آن چه می‌تواند باشد. بخش قابل توجهی از پاسخ‌ها، به نظام مشروطه ژاپن نسبت داده می‌شد و ایرانیان بسیاری به تدریج بدین فرضیه راغب گشتند که ژاپن بر اثر اصلاحات سیاسی و برقراری مشروطه موفق شده بر قدرت بزرگی مثل روسیه فائق آید. یکی از آثار مهم در این خصوص، منظومه‌ای حماسی به نام *میکادونامه* سروده حسین‌علی تاجر شیرازی است که گزارشی به نسبت کامل از وقایع نبرد ژاپن و روسیه ارائه می‌کند. اهمیت این اثر در کنار بیان رویدادهای تاریخی به نظم، در تحلیلی است که از خلال بیان اتفاقات جنگ به مثابه توضیحی از علل و عوامل موفقیت ژاپن و ناکامی روسیه ارائه می‌کند. این منظومه از این حیث در این کار برای بررسی از منظر تحلیل محتوا انتخاب شده که نشان‌گر بخشی از ذهنیت ایرانی در توجه توأم با تمجید و ستایش از وضعیت ژاپن آن روزگار است. در لابلای این تحلیل سعی خواهد شد نشان داده شود که سراینده اثر تنها به بیان روایی تاریخ تحولات مذکور با زبان شعر نپرداخته بلکه فراتر از آن وی با رویکردی نقادانه، نگاهی عمیق به چیستی و ماهیت تحولات و نیز آسیب‌شناسی وضعیت روسیه دارد. در عین حال، چنین موضعی عملاً در حکم تلنگری به وضعیت ایران بوده و لذا دیدگاه کلی حاکم بر *میکادونامه* با اتخاذ رویکردی هنجاری بر آن است که بهبود وضعیت کشورها از جمله ایران و حل و فصل بسیاری از مسائل مبتلابه آن، در گرو مشروطه شدن و روی آوردن به سیستم شورایی است.

پیشینه و روش تحقیق

درباره پیشینه موضوع و به طور خاص *میکادونامه* و موضوع مشروطه‌خواهی آثار چندی قابل احصاء و ذکر هستند. میرانصاری (۱۳۸۶) در نوشتاری *میکادونامه* را با عنوان نمود و جلوه‌ای از مواجهه و رویارویی اندیشمندان ایرانی مورد بررسی قرار داده و ضمن معرفی اجمالی از اثر مذکور، تلاش کرده اصول و بنیان‌های فکری مولف این اثر را بیان کند که البته شامل نگاهی عمومی و گذرا بدین اثر است. «عنایتی قادیکلایی» و همکاران (۱۳۹۹) در خلال بررسی موضوع قابل تأمل خود یعنی گسست در سنت حماسه‌سرایی ایرانیان، آثاری از جمله *میکادونامه* را از حیث آنکه قهرمانان آن غیرایرانیان هستند، مورد توجه قرار داده‌اند. دغدغه نوشتار فوق، پیگیری و تحلیل منطق چنین تطوری در رویکرد ایرانی به حماسه است و *میکادونامه* نیز از همین جنبه مورد توجه ایشان بوده است. همچنین «رجب‌زاده» (۱۳۷۹) در نوشته‌ای به معرفی اجمالی کلیات *میکادونامه* و توضیح آن از جمله شرایط تاریخی و اجتماعی و نیز برخی از مضامین آن پرداخته است. آنچه در نوشتار حاضر در تکمیل و البته به شکلی متمایز از آثار مذکور مورد توجه قرار گرفته، تأمل در محتوای *میکادونامه* با تأکید بر آسیب‌شناسی وضعیت ایران با محوریت موضوع مشروطه است. سراینده اثر افزون بر توصیف نبرد، با دیدگاهی هنجارگرایانه به تجویز مبانی و اصول مشروطه‌خواهی و اهمیت آن نیز می‌پردازد و همین زمینه مناسبی است برای آنکه در این نوشتار مفاهیم از حیث کارویژه آنها در کلیت منظومه فوق و ارتباط شبکه معنایی بین آنها بررسی شوند.

مقاله پژوهشی

در این نوشتار برای بررسی و پژوهش دربارهٔ متن *میکادونامه*، از روش و رویکرد «تحلیل محتوا» استفاده شده است. تحلیل محتوا، تکنیکی پژوهشی است که به منظور استنتاج قابل تکرار و معتبر از داده‌های یک متن و یا هر موضوع معنادار دیگری به کار گرفته می‌شود (Krippendorff, ۲۰۰۴). با وجود تفاوت‌هایی، تحلیل محتوا نیز همچون رهیافت علمی غالب، کمابیش از قابلیت تکرار در پژوهش‌های خویش به مثابه ابزاری برای روایی و اعتبار مدعاهای خویش بهره می‌گیرد. با این حال تحلیل محتوا معطوف به درک معنای نمادین در متن بوده و از این حیث با آنکه از ابزارهای کمی و مباحثی همچون فراوانی و یا شمارگان واژگان و مفاهیم نیز بهره می‌گیرد، از آنها فراتر رفته و درصدد دریافت مضامین مندرج در کُنه یک متن است. به طور دقیق‌تر و از آنجایی که هر نوع التفات به مضمون و درون‌مایهٔ یک متن را نمی‌توان تحلیل محتوا به معنای دقیق آن برشمرد، لذا برخی برآنند که کمابیش الگویی از تحلیل کمی به شکل نظام‌مند باید در بررسی متن به کار گرفته شود (Neuendorf, ۲۰۰۲). در تحلیل محتوا، نه تنها واژگان و مفاهیم به کار رفته در متن بلکه همچنین فراوانی و به اصطلاح بسامد آنها و نیز نحوهٔ استفاده از تعبیر مختلف به اضافهٔ نوع و چینش و به عبارتی آرایش عبارت‌ها باید مورد توجه قرار گیرد (کیوی و کامنه‌ود، ۱۳۷۰: ۲۲۲). در اینجا ست که باید به تلفیق مناسبی بین دو سطح خرد و کلان نائل شد؛ به عبارتی دیگر از یک سو، ملاحظهٔ اجزای خاص در متن و مضامین متعدد استفاده شده در یک متن حائز اهمیت است و از سویی دیگر نباید در نگاهی وسیع‌تر از کلیت نظام معنادار شکل گرفته در متن غفلت گردد. چنین نگاه فراگیری سبب می‌شود بین مفاهیم و نسبت آن در هم‌نشینی با اصطلاحات پیرامون آنها روابطی معنادار قابل رصد کردن و مطالعه باشد. البته در نگاهی انتقادی و خلّاقانه به رویکرد فوق، باید متذکر شد که اولاً تحلیل محتوا در زیرمجموعه‌های متعددی اعم از تحلیل انتقادی، تحلیل معطوف به بیان، تحلیل نشانه‌شناختی و ... قابل طرح است و ثانیاً شرط مهم بیان شده در تحلیل محتوا یعنی نظام‌مندی ممکن است بر اساس موضوع مورد مطالعه و نیز زمینه‌ها و مفروضات پژوهش‌گر نوساناتی بپذیرد بدین معنا که معانی متن و تفسیر آنها در افق اکنونیت مولف و یا مفسر متن مذکور جلوه‌گر شود. این مهم در پژوهش بر روی متنی تاریخی همچون *میکادونامه* از اهمیتی خاص برخوردار است؛ صداً البته که این ویژگی به معنای بی‌اعتنایی به اقتضائات متن و یا نادیده گرفتن برخی از ملزومات آن و اتخاذ رویه‌ای دلخواهی در تحقیق تاریخی نیست. با این حال، تحلیل محتوا در مواجهه با متون تاریخی ناگزیر از در پیش گرفتن شیوه‌ای است که افزون بر معنای ظاهری و آشکار، به ابعاد پنهان آن هم توجه نماید (هولستی، ۱۳۷۳: ۲۶). از ویژگی‌های تحلیل محتوا که کاربرد آن را از جمله دربارهٔ متون تاریخی میسر و ممکن و بلکه مفید می‌نماید، آن است که در آن داده‌ها در دسترس و مهیا بوده و تنها موارد مذکور باید تحلیل شوند (ساروخانی، ۱۳۸۲: ۲۹۹-۳۰۰). به بیانی دیگر و در مقام مقایسه، می‌توان اذعان نمود که در بسیاری از رویکردهای روشی دیگر با استفاده از فنون مختلف اعم از مصاحبه، پرسشنامه و یا روش‌های کتابخانه‌ای تلاش می‌گردد داده‌هایی گردآوری شود و لذا تفاوت مهم تحلیل محتوا در آن است که بعد از مراحل ناشی از گردآوری اطلاعات با شیوه‌های مختلف میدانی و یا نوشتاری و ...، تلاش می‌گردد بر روی داده‌های موجود تجزیه و تحلیل صورت گیرد. بنابراین آنچه از خلال چنین رهیافتی به ویژه در مطالعات متن‌محور تاریخی برای دغدغه‌هایی از قبیل پژوهش حاضر اهمیت دارد، آن است که از فراوانی نسبی و قابل توجه ناشی از تکرار مضامینی خاص و تأکید بر آنها در متن به ادراکی از کلیت دیدگاه معنایی متن نائل شویم. در این خصوص، تحلیل محتوای *میکادونامه* بر اساس نگاهی تفهّمی و به منظور دریافت درک و دریافت سرایندهٔ آن از مشروطه و مفاهیم پیوسته و همراه آن در دستور کار قرار گرفته و در باب آن بیش و پیش از هر چیز، دغدغهٔ مقاله معطوف به گشودن معنایی است که *میکادونامه* را

مقاله پژوهشی

در باب تأمل در خصوص وضعیت معاصر ایران و آسیب‌شناسی مسائل آن، نظم و نسق بخشیده و می‌تواند به مثابه کشف بخشی از ذهنیت ایرانی در مواجهه با مشروطیت راهگشا باشد.

بحث (متن مقاله)

۳. میکادونامه

۱-۳. زمینه و زمانه

سال ۱۹۰۵ م. در نتیجه پیروزی و تفوق ژاپن بر روسیه، ایرانیان نیز همپای بسیاری از ملل دیگر و بلکه بسی بیش از ایشان ضمن آنکه زبان به تحسین ژاپن و توفیق قابل توجه آن در مقابل روسیه گشودند، از این واقعه در حکم امری الهام‌بخش بهره‌ها بردند تا منویات خویش را در جبران آنچه که به نظر ایشان تأخر ایران در مسیر ترقی و پیشرفت بود، بیان نمایند. ایرانیان که از روس‌ها ضربات متعددی خورده بودند و به سبب امکانات و توان این کشور به قدرت آن واقف بودند، طبیعی بود که در مقایسه با دیگران، حساسیت بیشتری بدین رویداد نشان دهند و راز اهتمام ایشان به وقایع ژاپن و ستایش از اقدام سترگ این کشور ناشی از این موضوع بود. موفقیت ژاپن زمانی اهمیت بیشتری می‌یافت که در نظر آوریم ژاپنی که در اواخر سده نوزدهم (۱۸۹۴-۱۸۹۵ م.) بر چین غلبه یافته بود، خیلی زود با واکنش قدرت‌های بزرگ اروپایی از جمله روسیه، فرانسه و آلمان مواجه شد و آنها درصدد حمایت از چین برآمده و ژاپن را از جمله در شبه‌جزیره کره در تنگنا قرار دادند. با تنگ‌تر شدن حلقه محاصره ژاپن در اطراف مرزها و منطقه نفوذ خویش، این کشور درصدد چاره‌اندیشی برآمده و مہیای برخورد با قدرت‌های بزرگ گردید (ماید، ۱۳۷۵: ۲۷۲-۲۷۴). در این میان اتحاد بین ژاپن و بریتانیا در اوایل سده بیستم ژاپن را در دغدغه بازیابی نفوذ خویش در منطقه مصمم‌تر ساخت. در نهایت تقابل ژاپن با روسیه به ویژه در منطقه منچوری نبرد این دو کشور را موجب گردید که موضوع اصلی میکادونامه شرح ماقع همین رویداد است. البته تاجر شیرازی در خلال وصف اوضاع و اتفاقات نبرد مذکور، به سرودن اشعاری با عنوان ساقی‌نامه به مثابه مقدمه هر یک از بخش‌های منظومه خویش مبادرت نموده و ضمن نمایاندن هنر شاعری خویش، در تلطیف فضا و تنوع در متن با شکستن یکنواختی آن تلاش می‌کند.

به هر حال دلیل اصلی و مهمی که زمینه‌ساز تقابل با روسیه شد، احساس خطر ژاپن برای دفاع از کیان و هستی خویش بود. «یاماگاتا آری‌موتو» سیاستمدار اواخر سده نوزدهم و اوایل سده بیستم ژاپن تصریح داشت:

«ملتی که نقشه‌ای برای دفاع از خود نداشته باشد ملتی تمام عیار نیست. اگر ژاپن بخواهد استقلال خود را حفظ کند باید اکنون قبل از وقوع حادثه نقشه‌ای برای دفاع ملی خود بکشد و در زمان صلح، خود را برای موارد اضطراری غیر منتظر آماده کند و جهتی را که در آینده پیش خواهد گرفت مشخص سازد. ژاپن باید آماده باشد که نخست از خط حاکمیت خود و بعد از خط مصالح و منافع خویش دفاع کند» (رجب‌زاده، ۱۳۶۵: ۲۷۴).

با چنین هدف‌گذاری‌ای، ژاپن از حالت تدافعی به وضعیت تهاجمی درآمد و با تصویر برساخته از تهدیدات خارجی، خواهان افزودن بر قدرت خویش شد. بر اساس آنچه بیان شد، اوضاع و تحولات بین‌المللی نقش مهمی در بینش و استراتژی اتخاذ شده ژاپنی‌ها داشت. هرچند ممکن است در تصویر ارائه شده از تهدیداتی که می‌توانست متوجه این کشور باشد، اغراق‌هایی هم دیده شود، با این حال تقویت ژاپن در ابعاد گوناگون زمینه اصلی تصمیم‌گیری‌های این کشور بود. در واقع مشروطه کارکرد و نتایجی در عمل در داخل کشور ژاپن داشت به این معنا که مشروطه به موازات هدف‌گذاری خارجی و بلکه شاید هم مقدم بر آن، با هدف بازسازی نهادهای اداری و سیاسی و افزودن بر کارایی نظام موجود و با انجام اصلاحاتی در خصوص رویه‌ها و رسوم موجود مثلاً لغو پاره‌ای از انحصارهای سامورایی‌ها از قبیل حق حمل سلاح و بهره‌مندی انحصاری از آموزش و در کل نفی موقعیت برتر موروثی ایشان مطرح و اجرا شد (اسمیث، ۱۳۷۵: ۱۵۳). برای همین اموری که تا قبل از آن و در زمان موسوم به

مقاله پژوهشی

حاکمیت توکوها (۱۶۰۳-۱۸۶۷) متعلق به ایشان و نیز طبقه فرماندهان بود، ملغی گردید (متوسلی، ۱۳۷۴: ۱۰۵). عمومی شدن آموزش و انجام اصلاحاتی در نظام آموزشی موجود، از عمده تغییرات در ژاپن بود که البته از سوی حاملان و حامیان سنت پیشین با اعتراضاتی مواجه گردید (بیزلی، ۱۳۹۳: ۱۰۸ و نیز مرتون، ۱۳۶۴: ۱۹۷).

مجموعه این تحولات همگی گام‌هایی بودند برای به رسمیت شناختن قدرت انحصاری دولت و نظام سیاسی جدید که این امر یعنی دولت مقتدر مرکزی جزء ارکان دولت مدرن در گذر از دوران فئودالیت به شمار می‌آید. ثمره تمرکز قدرت مرکزی آن بود که قدرت به صورتی متمرکز در اختیار امپراتور قرار گرفت و او نیز در قالب یک قانون اساسی جدید به تاریخ فوریه ۱۸۸۹، حقوقی را به عنوان هدیه به ملت تقدیم نموده و زمینه‌های فراهم شدن حکومت مشروطه در این کشور را فراهم آورد. اینکه مشروطه و اصلاحات در ژاپن بیش از هر چیز به اقتضای شرایط تحمیلی از داخل و خارج به منصفه بروز و ظهور رسید، سبب می‌شود بینش‌ها و بصیرت‌های قابل تأملی در این خصوص قابل طرح باشد از آن جمله اینکه نه چنین تحولی انقلاب در معنای کاملاً فراگیر اجتماعی و سیاسی بود و نه آنکه در خصوص آن باید اغراق گونه و به شکلی آرمان‌گرایانه به قضاوت نشست چرا که برای نمونه بعد از صدور فرمان مشروطیت نیز هنوز مولفه‌های حاکمیت مردم از قبیل مشارکت همه آحاد ایشان و به طور خاص رأی دادن از جانب آنها رسمیت نداشت. در این مرحله آنچه بیش از هر چیز در سرلوحه سیاست اعلامی دولتمردان این کشور قرار گرفته بود، کارآمد نمودن ژاپن و نظام سیاسی و اجرایی‌اش برای رقابت و هموردی با قدرت‌های بزرگ بود. یکی از اقدامات مهم در این راستا، تنظیم امور اداری و اجرایی از جمله رابطه بین مناطق محلی با سیستم متمرکز مرکزی بود به گونه‌ای که دیوانسالاری محلی گسترش یافت و تلاش‌هایی برای ایجاد سازمان‌های محلی در شهرستان‌ها و ولایات انجام شد (مکلرن، ۱۳۷۵: ۲۶۳-۲۶۴). اصلاحات مدنظر امپراتور، با مخالفت‌های متعددی از سوی برخی از طیف‌ها و اقشاری که با روند موجود همراهی نداشتند، مواجه شد هرچند اغلب آنها چندان ره به جایی نبرده و در اثر برخورد آمرانه با آنها سرکوب شدند (کوشان، ۱۳۱۷: ۷۲). در روز صدور فرمان امپراتور یعنی ۱۱ فوریه ۱۸۸۹، همه روزنامه‌های تندرو توکیو توقیف شده و یا با اخطارهایی و تذکرات جدی مواجه شدند تا از هر گونه درج مطالب نامساعد درباره قانون اساسی پرهیز کنند (مکلرن، ۱۳۷۵: ۱۶۴). چنین اقدامات سختگیرانه‌ای بخشی از سیاست کنترلی نظام سیاسی حاکم بر ژاپن بود که از مدتها قبل‌تر آغاز شده بود، از حدود اوایل دهه ۱۸۸۰ گسترده‌تر شده و فعالیت احزاب و سازمان‌های گوناگون را هم دربرگرفت (بیزلی، ۱۳۹۳: ۱۱۳). «میچی» امپراتور وقت ژاپن، بنیانگذار دوره‌ای از اصلاحات شد که بر پایه یک نظام حکومت الهی و پادشاهی استوار بود (حائری، ۱۳۶۴: ۱۷). همان طور که اشاره شد، به‌رغم آغاز اصلاحاتی وسیع بالطبع امکان آن نبود که بلافاصله همه ویژگی‌های مشروطه به معنای واقعی و کامل آن در ژاپن محقق گردد ولی تأکید بر انجام اصلاحات آمرانه و از بالا، به مرور شرایط را برای حضور مردم و نقش‌آفرینی‌های ایشان هم مهیا نمود. بخش مهمی از این فرایند با آموزش عمومی میسر شد و این روند کمابیش تا زمان کنونی هم ادامه دارد به نحوی که همواره پرورش نیروی انسانی در ژاپن به عنوان یکی از مزایای مهم این کشور محسوب می‌شود. یکی از اندیشمندان ژاپنی، «فوکوزاوا (فوکوتساوا) یوکیچی» بر آن بود که پیشرفت واقعی ژاپن در بهره‌گیری از دانش عملی و تکنیک غرب البته در چارچوب ارزش‌های سنتی ژاپن ضمن لزوم اتخاذ برخوردی منتقدانه با آنهاست. به باور وی در کتاب نظریه تمدن، تمدن در جریان فعالیت‌های فکری و معنوی قابل حصول است. وی ضمن ارج نهادن به سنن ژاپن، اعتقاد داشت که ادیان، آئین‌ها و سنن موجود را باید به نحوی مقتضی و مناسب روزآمد نمود تا شایسته شرایط جدید باشند (یوکیچی، ۱۳۷۹: ۲۳۶ و ۲۴۳). البته نباید فراموش کرد که رویکرد سنت‌های گوناگون در جوامع مختلف، در مواجهه با مدرنیته و تجدد به یک شکل و رویه خاص قابل تقلیل نیست. خود این بحث که در جای خود می‌تواند به صورت مبسوطی بررسی شود، یکی از تفاوت‌های سنت در ژاپن با ایران بوده است و لذا با وجود آنکه بسیاری از افراد، تحولات پس از مشروطیت ژاپن را الگویی برای ایران برشمرده‌اند، در این نکته تأمل به نسبت اندکی روا داشته‌اند که تفاوت سنت در این

¹. shogun

مقاله پژوهشی

کشور را باید به جد مورد تأمل قرار داد. به هر حال ژاپن موردی بود که توانست اجماع به نسبت مناسب و فراگیری بین نخبگان فراهم کرده و امکانات موجود را در مسیر ترقی این کشور و کارآمد نمودن ظرفیت‌های آن بسیج کند.

یکی از مهم‌ترین اصول فکری دوران جدید یعنی اندیشه ترقی به ویژه آنچه که از آن با عنوان داروینیسم اجتماعی یاد می‌شود، در ژاپن پذیرفته شده بود؛ پذیرش این دیدگاه بدان معنا بود که غرب در مرحله‌ای برتر و قوی‌تر از ژاپن قرار دارد و لذا ژاپن نیز باید راه پیموده شده ایشان را طی نماید (بیزلی؛ ۱۳۹۳: ۱۲۵-۱۲۶). به واقع ژاپن دریافته بود که اندیشه‌ورزی متفکران خود را در مسیر حل و فصل مشکلات و مسائل فنی خویش به کار گیرد و نتیجه امور مذکور را در حوزه اقتصاد و امور فنی به منصه بروز و ظهور عملی برساند. در این خصوص راهکارهای اخلاقی و انتزاعی دوران حاکمیت توکوگاوا چندان کارآمد و مثمر ثمر نبودند و از این رو ضروری بود که شیوه‌هایی علمی به کار گرفته شوند. این مسئله بیش از هر چیز مستلزم اجماع نظر در بین نخبگان فکری و اجرایی این کشور بود. لازمه نقش‌آفرینی ژاپن در دوران جدید آن بود که تلفیق مناسبی از رویکردهای سخت‌افزاری و نرم‌افزاری در پیش گرفته شود آن هم‌با نگرشی که متناسب با اقتضات زمان و نیازهای نوظهور باشد. این امر الزاماتی داشت و در باب مزیت ژاپن در این خصوص باید اشاره کرد که:

«ویژگی برجسته بازتاب ژاپن در برابر غرب، توفیقش در حفظ همبستگی ملی در نقطه حساس انتقال از نظام سنتی به رسم و راه تازه بود، مرحله‌ای که در آن بسیاری از کشورهای دیگر به جنگ داخلی درافتادند... کاری که در ژاپن به انجام رسید، یک بازتاب سیاسی هدایت شده بود و، به تعبیری، تحول و تجدد را از بالا تجربه کرد» (رجب‌زاده، ۱۳۶۵: ۲۳۷).

در کل ایرانیان نظر مساعدی درباره ژاپن و اهتمامی ویژه به اخذ دستاوردهایی مشابه این کشور داشتند و از این رو، بی‌سبب نیست که نویسندگان مختلفی به تجربه ژاپن اشاره نموده و خواهان اقتباس آن شده باشند؛ برای نمونه، «ادوارد براون» درباره تأثیر پیروزی ژاپن نه فقط بر ایران بلکه بر بیداری ملل اسلامی می‌نویسد:

«بیداری جهان اسلام، که مظاهر کم‌وبیش تکان‌دهنده‌اش، چه در زمینه مذهب و چه سیاست، طی سی یا چهل سال اخیر در ترکیه، ایران، مصر، مراکش، قفقاز، کریمه و هند بروز کرده است، بی‌تردید با پیروزی ژاپن بر روسیه شتاب بسیار یافته و تشدید گردید زیرا این واقعه نشان داد که آسیایی‌ها نیز در صورت برخورداری از ارتش و تجهیزات مشابه کاملاً قادر به حفظ خود در میدان نبرد، حتی علیه سهمگین‌ترین دشمنان اروپایی، هستند» (براون، ۱۳۸۰: ۲۱-۲۲).

وی همچنین تصریح دارد:

«پیروزی ژاپن تأثیری بسزا بر تمامی مشرق داشته و حتی در اینجا، در ایران، هم بی‌اثر نبوده است ... با اندک مطالعه که در این باب داشته‌ام، تقریباً چنین به نظر می‌آید که شرق دستخوش تلاطم افکار گشته است. در چین نهضت برجسته‌ای علیه بیگانگان وجود دارد و نیز تمایلی به سوی ایده‌آل «چین برای چینی»؛ در ایران، به یمن قرابت به روسیه، به نظر می‌رسد این بیداری به شکل نهضتی جهت اصلاحات دموکراتیک بروز کند» (براون، ۱۳۸۰: ۱۲۸-۱۲۷).

در کنار تعبیر قابل تأملی ادوارد براون که الهام‌بخشی ژاپن برای ایران را بسیار محتمل برمی‌شمارد، نشریات و جراید مختلف نیز بدین واقعه توجه داشتند و ضمن بازتاب آن در اخبار و تحلیل‌های خود، به بیان دستاوردها و عبرت‌هایی می‌پرداختند که این پدیده می‌توانست برای ایران به ارمغان بیاورد. از آن جمله، روزنامه «روح‌القدس» در تاریخ پنجشنبه ۲۹ رمضان در مقاله‌ای هشداردهنده تحت عنوان «نطق غیبی یا اشاره لاریبی» خطاب به محمدعلی شاه بر تأمین حقوق ملت از جمله حق حفظ جان و مال تأکید کرده و همزمان از عقب‌ماندگی ایران در مقایسه با دیگر کشورهای جهان و تجزیه مداوم خاک ایران به دست اجانب انتقاد نموده و در تذکر و ترغیب محمدعلی شاه به پذیرفتن مشروطیت، به ژاپن و مقتضیات این کشور پس از مشروطه اشاره می‌کند و توفیق ژاپن در نبرد علیه روسیه را به سبب مشروطیت این کشور می‌داند. این روزنامه در نهایت ضمن

مقاله پژوهشی

برشمردن فوائد مشروطه، شاه ایران را از منازعه در خصوص مرام مشروطیت و تخطی از آن برحذر می‌دارد (کسروی، ۱۳۸۳: ۴۸۵). نکته مهم و قابل توجه آنکه ترقیات کشور آسیایی و نوظهور ژاپن نه فقط مورد توجه اندیشمندان و روزنامه‌ها بلکه دغدغه و بلکه مورد اهتمام جدی حکمرانان ایران نیز بوده است چنانچه مظفرالدین‌شاه به روایت مخبرالسلطنه هدایت، پس از صدور دستخط تشکیل مجلس شورا به تاریخ ۱۴ جمادی‌الآخر ۱۳۲۴ در ایامی که وی به همراه عده‌ای از رجال، مأمور تنظیم نظامنامه انتخابات بوده است، از وی سوال کرده که آیا ژاپن هم مجلس دارد و او پاسخ داده که بله ژاپن هشت سال است که مجلس دارد (مخبرالسلطنه هدایت، ۱۳۸۵: ۱۴۲).

آثار انتقادی اثرگذار آن روزگار نیز به ژاپن و تحولات آن بی‌توجه نبودند آن گونه که سیاحتنامه به عنوان یکی از کتب تأثیرگذار زمان، به ماجرای واگذاری امتیازات و حقوق سلطنت از جانب میکادو امپراتور ژاپن و صدور فرمان مشروطیت از سوی او و غلبه ژاپن بر روسیه در جنگ سال ۱۹۰۵-۱۹۰۴ پرداخته و پس از بیان ترقیات ژاپن در حوزه صنعت، تأسیسات، تعلیم و تربیت، تجارت، ارتباطات و نیز غلبه نظامی ژاپن بر روسیه، پیشرفت این کشور را با استقرار مشروطیت تبیین کرده و پس از اشاره به ماجرای تصرف کره از سوی ژاپن و همچنین تصرف بخش‌هایی از خاک روسیه و چین از سوی ژاپن، اعلام می‌کند: «غرض اصلی و مقصد کلی از این نگارشات جز اصلاح ملک و ملت نیست» (ر.ک. مراغه‌ای، ۱۳۸۸: ۶۷۶-۶۷۰). سیاحتنامه در قالب یک مثنوی با عنوان «راز و نیاز وطنیه»، علت غلبه ژاپن بر روسیه و علت حکمرانی انگلیس در هندوستان را با عامل مشروطیت تبیین کرده و از مظفرالدین شاه مطالبه مشروطیت می‌کند:

شهریارا حکم یزدان ره سپار * مجلس شورا ده و قانون گذار...
دولت ژاپن چو قانون بر نهاد * نیکبختی بر رخ ملت گشاد
حکم شورا کرد در ژاپن اثر * نام نیکش در جهان گشتی سمر
او به شورا یافت بر دشمن ظفر * روس‌ها از خود سری شد در به در
رحم کن بر دیده گریان ما * دود آه سینه سوزان ما
رسم شورای نبی را تازه کن * بر رعیت لطف بی‌اندازه کن ...
بین تو ژاپون را ز علم است این چنین * برگشاده بیرق نصرت به چین

انگلیس از حکم شورا بین چسان * حکمرانی کرده بر هندوستان (مراغه‌ای، ۱۳۸۸: ۶۸۲).

در کل، سیاحتنامه ترقی و پیشرفت را ناشی از قدرت مشروطیت در مقابل استبداد دانسته و همان طور که در باب میکادونامه نیز اشاره خواهد شد، آن را به تجربه بریتانیا نیز تعمیم داده و ضمن برشمردن مزایای مشروطه، توفیقات بریتانیا در جهان را نیز به مشروطه این کشور نسبت می‌دهد. زین‌العابدین مراغه‌ای تصریح دارد که غلبه ژاپن بر روس را در صفحه ۵ شماره ۳۲ از سال ۱۵ روزنامه حبل‌المتین پیش‌بینی کرده بوده و علت آن را همانا حاکمیت مشروطیت و پیوند شاه و ملت در ژاپن و حاکمیت ظلم و استبداد در روسیه دانسته است (مراغه‌ای، ۱۳۸۸: ۷۰۵).

توجه ژاپنی‌ها به علم و دانش مدرن نیز از موضوعات مورد توافق بسیاری از ایرانیان عصر مشروطه بود. برای همین حاج میرزا نصرالله ملک‌المکلمین می‌گفت:

«از پرتو علم است که ملت گمنام ژاپن که هزارها سال در ظلمت و تاریکی می‌زیست، امروز به این مقام از تمدن و بزرگواری نایل شده و با ملل متمدنه جهان... رقابت می‌کند و قسمتی را به نور علم و تمدن روشن کرده است» (زیباکلام، ۱۳۷۹: ۳۷۹).

چنین باوری البته درست هم بود و تأکید بر علم و دانش صراحتاً جزو هدف‌گذاری‌های ژاپنی‌ها قرار داشت کما اینکه در سند صادره در مشروطه ژاپن با عنوان سوگندنامه پنج ماده‌ای در زمان میجی، در ماده ۵ بیان شده بود که «برای استواری حکومت امپراتوری به جستجوی دانش در سراسر جهان پرداخته خواهد شد» (مرتون، ۱۳۶۴: ۱۹۱ و نیز کوشان، ۱۳۱۷: ۶۸-۶۹). آن

مقاله پژوهشی

دسته از ایرانیانی هم که از نزدیک شاهد تحولات ژاپن بودند، بر این آموزه‌ها صحه می‌گذاشتند و گفتار مذکور را با تجربه خویش تصدیق می‌نمودند. لذا میرزا علی‌اصغر خان اتابک و همراهانش در سفرشان به ژاپن از اینکه این کشور با جدیت قدم در راه تعالی نهاده است، تمجید نموده و آن را افتخار ممالک آسیایی برمی‌شمردند (هدایت، ۱۳۶۸: ۱۷۴). حتی مهدیقلی هدایت در شرایطی که احتمال درگیری میان روس و ژاپن مطرح بود، در جواب نگرانی اتابک که معتقد بود حیف است ژاپنی‌ها با روس جنگ کنند چون شکست می‌خورند و به کارشان لطمه وارد می‌شود، بیان می‌کند که تصور نمی‌کنم شکست بخورند و اینها بی‌گدار به آب نمی‌زنند (هدایت، ۱۳۶۸: ۱۷۹-۱۸۰ و ۱۹۲). مطبوعات مختلفی همچون روزنامه‌های اختر و حبل‌المتین نیز با اشاره به تحولات ژاپن، سیاستمدارانی همچون صدراعظم وقت عین‌الدوله را به درس گرفتن از ژاپن فرامی‌خواندند و بیان می‌داشتند:

«آنچه می‌خواهیم امروز ترتیب دهیم و قانون وضع نماییم موافق قانون اساسی ما یک نوع دولت مشروطه‌ای است که بهترین و قدیمی‌ترین نمونه آن اساس انگلیس و ژاپن می‌باشد» (بیزلی؛ ۱۳۹۳: ۱۴ مقدمه مترجم).

از ماحصل آنچه به اجمال و از باب نمونه مورد اشاره قرار گرفت، معلوم می‌شود که بستر و زمینه تاریخی و فرهنگی قابل توجهی برای ایرانیان در التفات به تجربه تاریخی ژاپن پدیدار شده بود. میکادونامه در چنین فضایی قابل طرح و بررسی است که در ادامه به معرفی و تحلیل محتوای آن بر اساس مشروطیت و مضامین مرتبط آن پرداخته می‌شود.

۲-۳. معرفی اثر

«میکادونامه» با ذوق هنری «حسین علی تاجر شیرازی» از ایرانیان مقیم هندوستان در سال ۱۳۲۳ق. به شیوه و وزن شاهنامه فردوسی به نظم درآمده و جنگ روسیه و ژاپن را با طبعی روان و زبانی شاعرانه روایت نمود. این اثر در سال ۱۳۲۵ق. ۱۹۰۷م. با پی‌گیری و ممارست «جلال‌الدین حسینی مویدالاسلام» در چاپخانه حبل‌المتین کلکته منتشر شد. میکادونامه نه فقط از حیث ادبی بلکه از نظر تاریخی جزو منابع در خور و قابل تأملی است که در آستانه مشروطیت ایرانیان تصویری از الگوی کشور آسیایی ژاپن و شرح درگیری‌های آن با روسیه را بیان نموده و بر وجدان جمعی و آگاهی ایرانیان تأثیرگذار بوده است. عنوان اثر برگرفته از واژه «میکادو» به معنای «آستان مبارک» و یا «دروازه شریف» بوده و لذا اثر در واقع به نام و لقب امپراتور ژاپن نامیده شده است. خود ژاپنی‌ها به امپراتور خویش لقب «تن‌شی»^۱ و یا «تنو»^۲ اطلاق می‌کردند که تقریباً مترادف واژگانی همانند باب عالی، باب همایونی و یا حتی آستانه همایونی است (رجب‌زاده، ۱۳۷۹: ۳).

۳-۳. مضامین و درون‌مایه اثر

با آنکه دغدغه اصلی این نوشتار، تأثیر میکادونامه بر مشروطه‌خواهی ایرانی و نقش آن در ارائه مدلی برای تحولات ایران بوده، با این حال نمی‌توان آن را حتی در همین موضوع کاملاً یکدست و منسجم و یا حداقل فارغ از برخی تأملات مناقشه‌برانگیز برشمرد چرا که سراینده آن نیز به مثابه یکی از شهروندان ایرانی، درگیر و دغدغه‌مند بسیاری از موضوعاتی است که در دل و جان ایشان ریشه دوانیده و چه بسا تجميع آنها در کنار یکدیگر ناسازگار هم بنماید. برای نمونه در نخستین ابیات این اثر در وصف و ستایش خداوند آمده که «هر آن را که او خواست شاهی دهد» (تاجر شیرازی، ۱۳۸۵: ۲۹). این تعبیر یادآور سنت دیرپای باور به حق الهی شاهان و انتصاب ایشان از سوی خداوند است که شاید یکی از رساترین و مشهورترین آنها را سده‌ها پیش خواجه نظام‌الملک طوسی در نخستین فرازهای اثر معروفش سیاست‌نامه چنین بیان داشته که: «ایزد تعالی اندر هر عصری یکی را از میان خلق برگزیند و او را به هنرهای پادشاهانه ستوده و آراسته گرداند و مصالح جهان و آرام بندگان را بدو

^۱. Tenshi^۲. Tenno

بازبندد و در فساد و آشوب و فتنه بدو بسته گرداند و هیبت و حشمت او را در دلها و چشم خلایق بگستراند تا مردم اندر عدل او روزگار می گذارند و ایمن می باشند و بقای دولت او می خواهند» (نظام الملک، ۱۳۴۴: ۷).

بلافاصله صاحب میکادونامه بعد از آنکه برگزیده شدن به شاهی را به خداوند نسبت می دهد، با بیانی جبرگرایانه از گونه ای تقدیرگرایی از جانب خداوند بحث می کند که چندان چون و چرا در آن روا و پسندیده نیست:

کسی را شاید کند چند و چون * که کردی چرا این چنین یا چنون (تاجر شیرازی، ۱۳۸۵: ۲۹).

عنوان برگزیده شده برای این اثر نیز حاکی از منزلتی تواند بود که ذهنیت مولف برای پادشاه و نقش تعیین کننده وی قائل است. حتی در شرایط مشروطه خواهی و تحول بر مبنای نقش آفرینی مردم نیز احتمالاً تعریف و تمجید سنتی از نقش و جایگاه شاهان، بیان گر آن است که اراده ترقی خواهانه حاکم جامعه قادر است تغییراتی بنیادین را رقم بزند.

به هر حال در تحلیل مضامین میکادونامه، یکی از نکات قابل تأمل آن است که چگونه ذهنیت ایرانی با این مبانی متافیزیکی خود می توانسته و قادر می بود که از مقولاتی همچون مشروطه و اصولی از آن همچون حق تعیین سرنوشت آدمیان دفاع نماید؟ شاید جواب را غیر از مصلحت سنجی بازگفته در بالا، بتوان بر اساس ذهنیت چندلایه هویت ایرانی به ویژه در دوران معاصر توضیح داد که هرچند شرح آن نیازمند مجالی مستقل و فراخ است، در اینجا به همین مقدار در خصوص آن اکتفا می گردد که ذهنیت ایرانی همواره در خصوص امور نوظهور، تدابیر و چاره اندیشی هایی داشته که بخشی از آن معطوف به سازگار کردن آن با سنت خویش بوده است آن گونه که مشروطیت نیز چنین تطوری در ذهن و زبان ایرانیان پیدا نموده و تلاش گردید حق مردم در کنار مقام ظل اللهی حاکم قرار گیرد. بدین ترتیب، شاید چندان تعجبی نداشته باشد که میکادونامه در کنار نسبت دادن تعیین و مشروعیت شاه به خداوند، بر جایگاه والای آدمی در عالم و از قضا به موجب اراده خداوندی تأکید می ورزد و البته چنانکه به اشاره و اجمال بیان شد، با تذکر دادن نقش بی بدیل پادشاه، سعی دارد او را در راستای اراده الهی و تحقق بخش آن در جهان برشمارد:

عجب طرفه نقشی بود آدمی * که کرده مسخر زمان و زمی

جهان را جهان دار بنیاد کرد * و لیکن جهان بان آباد کرد (تاجر شیرازی، ۱۳۸۵: ۳۰).

مولف در ادامه با اشاره به عنایات خداوندی در حق شاهان، عدالت را همچون بسیاری از اندیشه های کلاسیک اعم از ایران شهری و یا دوره اسلامی، موجب بالندگی مُلک و البته شرط قوام حکمرانی برمی شمارد:

اگر دادگستر بود پادشاه * زید ملت و مُک او در رفاه (تاجر شیرازی، ۱۳۸۵: ۳۰).

در ادامه بحث میکادونامه با شیوه مرسوم اندرزنامه نویسان طول تاریخ ایران از کیومرث گرفته تا دیگران، ضمن بیان شمه ای از احوال و تاریخ شاهان، سعی دارد حاکمان را به عبرت از تاریخ از جمله بر محور عدالت وادارد:

هر آن شه که با بندگان دادکرد * خداوند همه مُلکش آباد کرد (تاجر شیرازی، ۱۳۸۵: ۳۴).

با نگاهی گذرا به تاریخ و یادآوری فرازهایی از آن، میکادونامه به سده های اخیر می پردازد و از جمله تدبیر پطر کبیر را در شکوه روس ها خاطرنشان ساخته و می گوید: «ز پطر کبیر اخترش شد به اوج» (تاجر شیرازی، ۱۳۸۵: ۳۵). وی آن گاه بیان می کند که تمامی توفیق پطر کبیر جز از مجرای عدالت قابل حصول نبوده است:

همه آن ترقی بُد از عدل و داد * که پطر کبیر آن بنا برنهاد (تاجر شیرازی، ۱۳۸۵: ۳۵).

مقاله پژوهشی

با این حال، اوضاع روزگار و سیاست وی نیز بر یک نسق باقی نمانده و با تحول در رویه وی و آشکار شدن ظلم و بی‌عدالتی، قدرت روس‌ها نیز روی در سرایشی سقوط نهاد. میکادونامه با تأسی و اشارتی به بیانی که ظاهراً به عنوان حدیثی از نبی اسلام نیز نقل شده مبنی بر اینکه «المَلِكُ يَبْقَى مع الكفر و لا يَبْقَى مع الظلم»، اشاراتی دارد بر اینکه در مقاطع مختلف پیروان ادیان مختلف اعم از یهودی، نصارا و مسلمانان دچار ظلم و ستم نظام روسیه شدند. در این خصوص اوضاع روس‌ها با انگلستان مقایسه شده و تصریح می‌گردد که:

اگر بودی او هم چنو انگلیس * که بر عدل باشد هماره جلیس

نگشتی چنین دولتش پایمال * نه بودی دگر دولتش را زوال (تاجر شیرازی، ۱۳۸۵: ۳۶).

سراینده اثر که مدت‌ها در هند به سر برده بود، در روایت خویش سیاست انگلستان را در هند در مدارا با همه ادیان و سودی که از بودن این کشور در هند نصیب همه اعتقادات و ادیان گشته، یادآوری می‌کند و این شیوه را می‌ستاید و در این تعبیر تا بدانجا پیش می‌رود که انگلستان را عامل متمدن شدن ایشان برمی‌شمارد. وی پس از جدّ بلیغ و سعی وافر در تمجید و بلکه اغراق در خصوص رواداری بریتانیا نه فقط در هند بلکه در کل مستعمراتش، بیان می‌کند در قبال ظلم‌های مذکور از سوی حاکمان روس و در پاسخ به ندای تظلم مردم، اراده الهی برای تنبیه ایشان دستی از ژاپن را مأمور نمود:

چو آزرده شد قلب مردم تمام * همی خواستند از خدا انتقام

برانگیخت آن خالق عدل و داد * ز ژاپون یکی خسروی پاک‌زاد (تاجر شیرازی، ۱۳۸۵: ۳۷).

این قرعه الهی در واقع به نام «میکادو» امپراتور ژاپن اصابت نمود و او بود که در اندک مدتی نه تنها روسیه را شکست و هزیمتی مهم تحمیل نمود بلکه فراتر از آن اسباب «ترقی» در کشور خود را نیز مهیا نمود. در این میان، تاجر شیرازی به عنوان صاحب میکادونامه و نیز در مقام یک ایرانی نمی‌تواند و ابایی هم ندارد که از شکست روسیه از ژاپن ابراز خرسندی نکند و از این رو، از چنین شکستی به عنوان انتقامی یاد می‌کند که مدتها انتظار آن را می‌کشیده است. نکته جالب آن که وی یکی از بخش‌های ساقی‌نامه را که وصف حال و حدیث نفس سراینده است، با چنین امری درآمیخته و بیان می‌کند:

بیا ساقی ای یار دیرینه‌ام * به می قفل غم بشکن از سینه‌ام

که غم مُلک جان را سراسر گرفت * ز غم آتشم پای تا سر گرفت

مرا آرزو این بُد از عمر خویش * که بینم چنین روزگاری به پیش

که دست خدایی برآید ز غیب * زند آنکه بر غیر گیرد به عیب

به ما هر چه او خواست آن بر کند * همه کار و بارش پریشان کند

هر آن ظلم کو کرده بر ما همان * خدایش به دامن نهاد آن زمان (تاجر شیرازی، ۱۳۸۵: ۵۲-۵۳).

بر اساس روایت میکادونامه، سرآغاز اهتمام امپراتور ژاپن برای عدل و داد، مشابه و همانند سوال عباس‌میرزا از مسیو ژوبر فرانسوی در خصوص زمینه‌ها و اسباب ترقی اروپاییان و علل و عوامل عقب‌ماندگی ایرانیان (ر.ک. ژوبر، ۱۳۲۲: ۹۵ و ۱۰۲) و مقایسه وضعیت خویش با آنان بود و لذا از قول امپراتور ژاپن می‌سراید:

بگفتا نه ما زاده آدمیم؟ * چرا از فرنگان به ثروت کمیم؟

بدین خاک و آب و بدین تاب هور * چرا از تمدن فتادیم دور (تاجر شیرازی، ۱۳۸۵: ۳۸).

مولف اثر، نسخه پیشنهادی ژاپن را توسل به علم و بیرون آمدن از پيله‌ای می‌داند که به دور خویش تنیده بوده و اسباب عقب‌ماندگی‌اش را موجب گردیده بود. در اینجاست که ژاپن به اخذ تعالیمی از مغرب‌زمین به ویژه انگلستان و قدرت علمی و صنعتی آن پرداخت، چرا که به نظر راوی:

به صنعت‌گری دولت انگلیس * ندارد به گیتی قرین و جلیس (تاجر شیرازی، ۱۳۸۵: ۳۹).

ثمره این مرادوات با بازگشت تحصیل‌کردگان ژاپنی به وطن در انواع و اقسام صنعت‌ها به ویژه نظامی‌گری خود را نمایان ساخت. این امور در نبرد این کشور با چین خود را نشان داده و بر منزلت ژاپن افزود. اما توطئه‌ها علیه ژاپن ادامه داشت و در نهایت نبردی بین روسیه و ژاپن بر سر منچوری درگرفت. به هر حال در خلال اشارت به وقایع تاریخی، که چندان بنای تفصیل جزئیات آنها در این نوشتار نیست، شیرازی به صراحت عنوان می‌کند که:

نه ما کم ز ژاپون و آن مردمیم * چرا در ترازوی عزت کمیم (تاجر شیرازی، ۱۳۸۵: ۴۸).

مولف با آسیب‌شناسی وضعیت موجود ایرانیان و تأکید بر اینکه چنین افقی از ترقی و اصلاح برای ایران نیز ممکن و مقدور است، علت ضعف در ایرانیان را به انفعال و جمودی نسبت می‌دهد که عارض ایشان گردیده و سبب‌ساز رکود شده است:

به سنگ حوادث همه داده تن * نجنیم چون مرده اندر کفن (تاجر شیرازی، ۱۳۸۵: ۴۹).

با وجود همه تأکیدات در لزوم فراهم کردن تمهیدات لازم برای موفقیت در مسیر پیش رو، سراینده میکادونامه بار دیگر دیدگاهی تقدیرگرایانه را طرح نموده و بر آن است که توفیق و کامیابی تنها و صرفاً به مدد ابزار و ادوات ظاهری قدرت میسر نمی‌گردد و از این رو بیان می‌کند که:

بزرگی نباشد به زر یا به زور * که بر درگه او چه مار و چه مور

هر آن را که خواهد دهد تخت و تاج * مر آن را که خواهد گذارد خراج (تاجر شیرازی، ۱۳۸۵: ۵۳).

شیرازی در اثر خود به شکلی به نسبت مفصل واقعه نبرد در جبهه‌ها و مراحل مختلف بین روسیه و ژاپن را شرح می‌دهد. در این میان و آنجا که وی از رویدادهای جنگی و تقابل‌ها یاد می‌کند، بار دیگر برای تدبیر افراد اهمیت و وزن خاصی قائل می‌شود و به‌رغم آنکه برخی از تعبیر وی به ویژه در بدو اثرش و نیز میانه‌های آن جبرگرایانه به نظر می‌رسد، رویکرد اختیارگرایانه در خصوص آدمی در پیش می‌گیرد و به لزوم خردورزی به ویژه در مواجهه با مسائل و مشکلات دعوت می‌کند:

نباید مریض از مرض زار شد * نه مرگ آیدش هر که بیمار شد

بباید شتابد به سوی علاج * که هر درد را هست درمان رواج (تاجر شیرازی، ۱۳۸۵: ۹۰).

به گفته وی، اصلاً همین دوراندیشی و تدبیرهای لازم بوده که سبب شده ژاپن در مقام قدرتی جدید به یکباره سر برآورد و تحسین همگان را برانگیزد:

کجا بود ژاپون در آن چند سال * که هیچش کسی می‌نرسید حال

به گیتی از او نام و رسمی نبود * اگر بود و آن هم به طور خمود

چو از خواب غفلت به هوش آمدی * همه صاحب تاب و توش آمدی

ربودند گوی سبق از فرنگ * دم آشتی و به هنگام جنگ (تاجر شیرازی، ۱۳۸۵: ۹۴).

مقاله پژوهشی

بنابراین نقش بیداری ملی در ژاپن از سوی نویسندگان برجسته می‌شود و نشان داده می‌شود ژاپنی‌ها که همچون بسیاری از ملل شرقی و آسیایی مدتی قبل حس عقب‌ماندگی داشتند، بر غربی‌ها پیشی گرفته و تقدّم یافتند. همچنین سراینده اثر اشارتی ظریف دارد به اینکه این برتری فقط در نبرد نظامی و جنگ نبود و مشروطه ژاپن ترقی در همه جوانب دیگر را نیز موجب گردید و البته که پیروزی نظامی تبلوری از شکوه قدرت ایشان بود:

گرفتند از دشمنی همچو روس * همه خاک منچور را چون عروس (تاجر شیرازی، ۱۳۸۵: ۹۴).

شکست روس‌ها و فلاکت ایشان، مجالی است تا میکادونامه راه و رسم روزگار و چرخ بازیگر زمانه را از باب آنکه «گه عزت دارد گه خوار دارد»، یادآور شود:

چنین بوده تا بوده گردون سپهر * پس نوش نیش و پی قهر، مهر

نپائیده یکسان به کس روزگار * چه این نحل را شهد زهر است بار (تاجر شیرازی، ۱۳۸۵: ۹۸).

در فرازهای بعدی، فارغ از داستان و غالب و مغلوب آن، حکایت روزگار و رسم زمانه بازگو می‌شود مبنی بر اینکه عالم همچون دریا مجالی برای آزمون انسان‌هاست:

که دریا بود آزمونی سترگ * مهان را کند که کِهان را بزرگ

هر آن را که اقبال بُد رهنمون * ز دریا گهر اندر آرد برون

کسی را که ادبار آید قرین * به دریا شود با گلش دل عجین

نبینی که ژاپون و روس آن دو گرد * به دریا یکی گم یکی نام برد (تاجر شیرازی، ۱۳۸۵: ۹۸).

گویی پس از بیان آن همه تفاوت‌ها در حکمرانی و نقش تدابیر آدمی در تعیین سرنوشت خویش، در نهایت باز رگه‌ای در نزد مولف اثر هست که امور را با تعبیری تقدیرگرایانه بازخوانی کند. در نهایت نیز در فراز انتهایی اثر، گویی مولف با روحیه شرقی و عبرت‌گرای خویش به بیهودگی و ناپایداری جهان اعم از اینکه در آن موفق و پیروز شده باشی یا در جرگه مغلوبان و هزیمت‌شوندگان درآمده باشی، تذکر می‌دهد که:

ز شاهان در این روزگار سپنج * نمانده یکی کشور و تاج و گنج

ز هر کس که ماندی در این روزگار * همان نام نیک است بس یادگار (تاجر شیرازی، ۱۳۸۵: ۱۱۳).

کما اینکه به بیان وی از کسری و اسکندر و چنگیز و تیمور و نادر و دیگران هم چیزی باقی نمانده است. با این حال سیاست درست و صحیح زمانی محقق خواهد شد که بر محور عدالت باشد:

اگر دولت روس چون انگلیس * به عدل و به داد آمدستی جلیس

نمی‌شد چنین روزش انجام کار * که یکباره گردد تبه روزگار

ز ژاپون اگر لشکر او شکست * و گر رفت منچوریایش ز دست

از این گونه بازی سپهر برین * فراوان نموده است اندر زمین (تاجر شیرازی، ۱۳۸۵: ۱۱۴).

و در نهایت در انتهای اثر به شکل صریحی از مشروطه نام برده می‌شود و مزایای آن یادآوری می‌گردد:

اگر باز مشروطه شد دولتش * فزون گردد آن قدرت و قوتش

چه دولت به مشروطه‌گی شد قرار * فزون گردد از اولش اعتبار

همان دم شود ظلم و جور از میان * عدالت شود عام بر بومیان
چه شاه و رعیت شریک هم‌اند * هماهنگ چون نی به زیر و بم‌اند
چه گردید ملت به دولت شریک * همی آورد آب و آتش به دیگ
سپس پخته گردد همه کار خام * بگیرد هم آن دولت از نو قوام

غرض‌های شخصی شود جمله محو * ز شوری نیابد برون کار سهو (تاجر شیرازی، ۱۳۸۵: ۱۱۵).

صاحب میکادونامه همچنین نظام مشروطه و مشورت در آن را با تعالیم اسلامی و آموزه‌های قرآنی پیوند زده و در بیان لزوم رایزنی با مردم می‌گوید خطاب خداوندی این گونه بوده که:

که در کار شورا به امت نما * سپس اندر آن کار همت نما^۱
نبی را چو باشد به شورای کار * دگر نیست شه را از آن ننگ و عار
هر آن شه که شورا پسند آمدش * ورا سلطنت بی‌گزند آمدش
چو مشروطه شد پایه سلطنت * فزونی دهد مایه سلطنت
ز مشروطه‌گی گشت ژاپون بزرگ * که شد چیره بر همچو خصمی سترگ
ز مشروطه‌گی دولت انگلیس * به هر نقطه خاک باشد جلیس
چنین گشته پاینده اندر عباد * که مشروطه‌گی شرط عدل است و داد (تاجر شیرازی، ۱۳۸۵: ۱۱۶).

اینکه البته مولف، شکوه و عظمت انگلستان در خارج از مرزهای این کشور را به مشروطه نسبت می‌دهد، قابل تأمل و نقد جدی است چرا که رویه قدرت‌های بزرگی همچون انگلستان به‌رغم وجود مشروطه در داخل، در خارج از مرزهای کشورشان مشی استعماری بوده است.

نتیجه

موفقیت ژاپن در عرصه بین‌المللی و به طور خاص غلبه بر روسیه، با تحول‌خواهی ایرانیان که بعدها عنوان مشروطه بر آن اطلاق شد، مقارن گردیده بود و لذا روایت ایرانی از این واقعه بر ابعاد ویژه‌ای از این رویداد تأکیدی وافر داشت. یکی از آنها اصلاحات و روند بازسازی ژاپن در دنیای نوین بر اساس اراده حاکمان از بالا بود که ایرانیان نیز سودای آن را داشتند. بر اساس اصول تحلیل محتوا، در منظومه میکادونامه فراوانی و بسامد قابل توجهی از واژه مشروطه به ویژه در فرازهای پایانی و جایی که نتیجه‌گیری و ماحصل جنگ بیان می‌شود، نمایان است. همچنین بر اساس هم‌نشینی و کاربرد واژه‌ها و تعبیر در کنار یکدیگر و مفهوم‌شناسی ناشی از این امر، مشروطه به کرات با قدرت و ترقی و حتی منزلت قابل احترام و به اصطلاح پرستیژ کشورها مخصوصاً ژاپن و همچنین انگلستان ارتباطی معنادار دارد. با این حال، ارتباط دادن معنایی مشروطه در بریتانیا با تمامی

^۱ اشاره به آیه وَ شَاوَرَهُمْ فِي الْأَمْرِ فَإِذَا عَزَمْتَ فَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ / و در کارها با آنها مشورت کن، و چون تصمیم گرفتی بر خدا توکل کن (آیه ۱۵۹ سوره آل عمران).

مقاله پژوهشی

محسناتی که منظومه برای این کشور در خارج از مرزهای ملی این کشور ترسیم نموده، موضوع قابل انتقاد و تأملی است که چندان با واقعیات استعمار انگلیس همخوانی ندارد. بر اساس هم‌نشینی و همراهی واژگانی که بر کارآمدی و محاسن مشروطه تأکید دارند، میکادونامه را در زمرهٔ آثاری می‌توان برشمرد که نشانی از سیر تطور و تحول در اندیشه و کنش ایرانیان به شمار می‌آید؛ بدین معنا که به تدریج توجه از ابعاد سخت‌افزاری قدرت به مرحله‌ای عمیق‌تر و جنبه‌ای نرم‌افزاری‌تر جلب می‌شود و بدین ترتیب ایرانیان بدین نکته التفات می‌یابند که حتی نیروی سخت نظامی و جنگی نیز باید مستظهر به قدرت و توان درونی یک ملت و نقش‌آفرینی ایشان در تعیین سرنوشت خویش و به عبارتی تحقق مشروطه باشد. همچنین نگاه انتقادی میکادونامه به وضعیت روسیه و ناکامی آن در نبرد با ژاپن، از سویی از حیث احساسی و عاطفی امری قابل توجه و مورد تمجید ایرانیانی همچون تاجر شیرای است و از سوی دیگر خاطرنشان می‌سازد که تفوق نظامی بدون همراهی و پشتیبانی یک نظام حکومتی مشروطه دوامی نخواهد داشت کما اینکه اوضاع و احوال روسیه در روی نهادن شرایط این کشور در سرازیری افول و زوال بعد از دوران پطر کبیر نشانی بر این قضیه تواند بود. نکتهٔ مهم دیگر در تحلیل محتوا و مضامین درونی میکادونامه آن است که بسامد مکرر و قابل توجهی از نگرش تقدیرگرا در کنار دیدگاه اختیارگرا قابل مشاهده است. به نظر می‌رسد می‌توان ذهنیت تکاپوگر ایرانی در این متن را فهمید و با آن همدلی داشت بددون آنکه البته بر آن باشیم که همهٔ آن را به لحاظ نظری و تبعات عملی آن لزوماً یکپارچه و منسجم برشماریم. به هر حال میکادونامه اثری برآمده از زمینهٔ خاص تاریخی و فرهنگی ایرانی است و بالطبع درآمیخته با تمامی وجوه متعارض و گاه حتی متناقض فکر و زبان ایرانی معاصر است و این خود عنصری دیرپا در بینش معاصر ایرانیان است که قبل از هر قضاوت و حکمی در خصوص آن، شایستهٔ فهم و شناخت است.

تضاد منافع

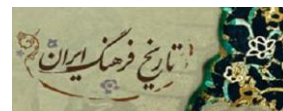
بدین‌وسیله نویسندگان اعلام می‌دارند که هیچ نفع متقابلی از انتشار این مقاله ندارند.

منابع

۱. -اسمیث، تامس (۱۳۷۵) انگیزه صنعتی‌سازی، در: شناخت ژاپن جلد اول: امپراطوری ژاپن از ۱۸۰۰ تا ۱۹۴۵، گردآوری جون لیوینگستون-جو مور و فلیشیا اولدفادر، ترجمهٔ احمد بیرشک، تهران: انتشارات خوارزمی؛
۲. براون، ادوارد (۱۳۸۰) انقلاب مشروطیت ایران، ترجمهٔ مهری قزوینی، تهران: کویر؛
۳. -بیزلی، ویلیام جی. (۱۳۹۳) ظهور ژاپن مدرن: نگاهی به مشروطه ژاپنی، ترجمه شهریار خواجیان، تهران: ققنوس؛
۴. -تاجر شیرازی، حسین‌علی (۱۳۸۵) میکادونامه، به کوشش علی میرانصاری، فصلنامهٔ آینهٔ میراث، ضمیمهٔ شمارهٔ ۹، سال چهارم، صص ۲۹-۱۱۷؛
۵. -حائری، عبدالهادی (۱۳۶۴) تشیع و مشروطیت در ایران و نقش ایرانیان مقیم عراق، تهران: انتشارات امیرکبیر، چاپ دوم؛
۶. -رجب‌زاده، هاشم (۱۳۶۵) تاریخ ژاپن از آغاز تا معاصر: نگاهی به زمینه‌ها و مایه‌های فرهنگ و تمدن امروز سرزمین آفتاب، بی‌جا: مولف؛
۷. -رجب‌زاده، هاشم (۱۳۷۹) میکادونامه یا ستایش‌نامهٔ ژاپن (رزم‌نامه‌ای از یک سده پیش)، کتاب ماه تاریخ و جغرافیا، دی، صص ۳-۱۲؛
۸. -زیباکلام، صادق (۱۳۷۹) سنت و مدرنیته: ریشه‌یابی علل ناکامی اصلاحات و نوسازی سیاسی در ایران عصر قاجار، تهران: روزنه، چاپ چهارم؛
۹. -ژوبر، پ. آ (۱۳۲۲) مسافرت به ارمنستان و ایران، ترجمهٔ محمود هدایت، تهران: تابان؛

مقاله پژوهشی

۱۰. -ساروخانی، باقر (۱۳۸۲) **روش‌های تحقیق در علوم اجتماعی**؛ جلد دوم: بینش‌ها و فنون، تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، چاپ چهارم؛
۱۱. -عنایتی قادیکلایی، محمد- روحانی، مسعود- ستاری، رضا و مرتضی محسنی (۱۳۹۹) **ادبیات پارسی معاصر**، سال دهم، شماره اول، بهار و تابستان، صص ۲۵۳-۲۷۸؛
۱۲. -کسروی، احمد (۱۳۸۳) **تاریخ مشروطه ایران**، تهران: امیر کبیر؛
۱۳. -کوشان، اسمعیل (۱۳۱۷) **امپراطوری ژاپن از بدو تشکیل تا کنون**، تهران: کتابفروشی دانش؛
۱۴. -کیوی، ریمون و کامپنهود، لوکوان (۱۳۷۰) **روش تحقیق در علوم اجتماعی**، ترجمه عبدالحسین نیک‌گهر، تهران: فرهنگ معاصر؛
۱۵. -مایو، مارلن (۱۳۷۵) **نگرش‌هایی به سوی آسیا و آغاز امپراتوری ژاپن**، در: شناخت ژاپن جلد اول: امپراطوری ژاپن از ۱۸۰۰ تا ۱۹۴۵، گردآوری جون لیوینگستون-جو مور و فلیشیا اولدفادر، ترجمه احمد بیرشک، تهران: شرکت انتشارات خوارزمی؛
۱۶. -متوسلی، محمود (۱۳۷۴) **توسعه اقتصادی ژاپن با تأکید بر آموزش نیروی انسانی**، تهران: موسسه مطالعات و پژوهش‌های بازرگانی؛
۱۷. -مخبرالسلطنه هدایت، مهدیقلی (۱۳۶۸) **سفرنامه مکه**، به کوشش سید محمد دبیرسیاقی، تهران: تیراژه؛
۱۸. -مخبرالسلطنه هدایت، مهدیقلی (۱۳۸۵) **خاطرات و خطرات**، تهران: زوآر؛
۱۹. -مراغه‌ای، حاجی زین‌العابدین (۱۳۸۸) **سیاحتنامه ابراهیم بیگ**، به کوشش م.ع. سپانلو، تهران: آگه؛
۲۰. -مرتون، اسکات (۱۳۶۴) **تاریخ و فرهنگ ژاپن**، ترجمه مسعود رجب‌نیا، تهران: امیرکبیر؛
۲۱. -مک‌لرن، والتر (۱۳۷۵) **تاریخچه ای سیاسی از ژاپن در عصر میجی**، در: شناخت ژاپن جلد اول: امپراطوری ژاپن از ۱۸۰۰ تا ۱۹۴۵، گردآوری جون لیوینگستون-جو مور و فلیشیا اولدفادر، ترجمه احمد بیرشک، تهران: انتشارات خوارزمی؛
۲۲. -میرانصاری، علی (۱۳۸۶) **جلوه‌هایی از روشنفکری ایرانی در آستانه قرن بیستم (بر اساس رساله میکادونامه)**، مجله آینه میراث، سال پنجم، شماره ۴، شماره پیاپی ۳۹، زمستان، صص ۱۳۸-۱۵۱؛
۲۳. -نظام‌الملک، ابوعلی حسن بن علی (۱۳۴۴) **سیاست‌نامه**، تصحیح محمد قزوینی و مرتضی مدرسی چهاردهی، تهران: زوآر؛
۲۴. -هولستی، آل-آر. (۱۳۷۳) **تحلیل محتوا در علوم اجتماعی و انسانی**، ترجمه نادر سالارزاده امیری، تهران: انتشارات دانشگاه علامه طباطبایی؛
۲۵. -یوکیچی، فوکوتساوا (۱۳۷۹) **نظریه تمدن**، ترجمه چنگیز پهلوان، تهران: نشر گیبو؛
26. -Krippendorff, Klaus (2004) **Content Analysis: An Introduction to its Methodology**, Thousand Oaks, Sage Publications;
27. -Neuendorf, Kimberly A. (2002) **The Content Analysis Guidebook**, Thousand Oaks, Sage Publications.



Books & Book Chapters (کتاب‌ها و فصول کتاب)

1. Smith, T. (1375). Angizeh-ye san'ati-sāzi. In J. Livingston, J. Moore, & F. Oldfather (Eds.), *Shenākht-e Jāpan* (Vol. 1: Emperāturi-ye Jāpan az 1800 tā 1945; A. Birashk, Trans.). Tehran: Khwarazmi Publications.
2. Brown, E. (1380). *Enghelāb-e mashrūṭiyat-e Iran* (M. Qazvini, Trans.). Tehran: Kavir Publications.
3. Beasley, W. G. (1393). *Zohur-e Jāpan-e modern: Negāhi be mashrūṭeh-ye Jāpan* (Sh. Khajian, Trans.). Tehran: Qoqnoos Publications.
4. Haeri, A. H. (1364). *Tashayyo 'va mashrūṭiyat dar Iran va naqsh-e Irāniān-e moqim-e 'Erāq* (2nd ed.). Tehran: Amir Kabir Publications.
5. Rajabzadeh, H. (1365). *Tārikh-e Jāpan az āghāz tā mo'āsher*. Author.
6. Rajabzadeh, H. (1379). *Mikādonāmeḥ yā setāyeshnāmeḥ-ye Jāpan. Ketāb-e Māh-e Tārikh va Joghrafiyā*, (Dey), 3–12.
7. Zibakalam, S. (1379). *Sonnat va moderniteh: Rīsheyābi-ye 'elal-e nākāmi-ye eslāhāt va nosāzi-ye siāsi dar Iran-e 'aṣr-e Qājār* (4th ed.). Tehran: Ruzaneh Publications.
8. Joubert, P. A. (1322). *Mosāferat be Armenestān va Iran* (M. Hedayat, Trans.). Tehran: Taban Publications.
9. Saroukhani, B. (1382). *Ravesh-hā-ye tahqiq dar 'olum-e ejtemā'i* (Vol. 2). Tehran: Pazhuheshgah-e Oloom-e Ensani va Motale'at-e Farhangī.
10. Kasravi, A. (1383). *Tārikh-e mashrūṭeh-ye Iran*. Tehran: Amir Kabir Publications.
11. Kushan, E. (1317). *Emperāturi-ye Jāpan az badv-e tashkil tā konun*. Tehran: Ketābfroshi-ye Danesh.
12. Quivy, R., & Van Campenhoudt, L. (1370). *Ravesh-e tahqiq dar 'olum-e ejtemā'i* (A. Nik-Gohar, Trans.). Tehran: Farhang-e Mo'āsher.
13. Mayo, M. (1375). *Negarash-hā'i be su-ye Āsiā va āghāz-e emperāturi-ye Jāpan*. In J. Livingston, J. Moore, & F. Oldfather (Eds.), *Shenākht-e Jāpan* (Vol. 1; A. Birashk, Trans.). Tehran: Khwarazmi Publications.
14. Motavaseli, M. (1374). *Towse'eh-ye eqtesādi-ye Jāpan bā ta'kid bar āmuzeṣh-e niru-ye ensāni*. Tehran: Institute for Commercial Studies and Research.

15. Hedayat, M. al-Saltaneh. (1368). *Safarnāmeḥ-ye Makkah* (S. M. Dabir-Siyaqi, Ed.). Tehran: Tirazheh.
16. Hedayat, M. al-Saltaneh. (1385). *Khāṭerāt va khaṭarāt*. Tehran: Zavvar Publications.
17. Maraghei, H. Z. (1388). *Siyāhatnāmeḥ-ye Ebrāhim Beg* (M. A. Sepanlou, Ed.). Tehran: Agah Publications.
18. Merton, S. (1364). *Tārikh va farhang-e Jāpan* (M. Rajabnia, Trans.). Tehran: Amir Kabir Publications.
19. McLaren, W. (1375). Tārikhcheh-yi siāsi az Jāpan dar ‘aṣr-e Meiji. In J. Livingston, J. Moore, & F. Oldfather (Eds.), *Shenākht-e Jāpan* (Vol. 1; A. Birashk, Trans.). Tehran: Khwarazmi Publications.
20. Nezam al-Molk, A. A. H. ibn ‘A. (1344). *Siyāsāt-nāmeḥ* (M. Qazvini & M. Modarresi Chahardahi, Eds.). Tehran: Zavvar Publications.
21. Holsti, O. R. (1373). *Tahlil-e mohtavā dar ‘olum-e ejtemā’i va ensāni* (N. Salarzadeh Amiri, Trans.). Tehran: Allameh Tabataba’i University Press.
22. Fukuzawa, Y. (1379). *Nazariyeh-ye tamaddon* (Ch. Pahlavan, Trans.). Tehran: Giv Publications.

Journal Articles (مقالات)

23. Tajer Shirazi, H. A. (1385). Mikādonāmeḥ. *Āyeneḥ-ye Mirās*, Supplement 9, 4, 29–117.
24. Enayati-Ghadikalaei, M., Rouhani, M., Sattari, R., & Mohseni, M. (1399). *Adabiyāt-e Pārsi-ye mo ‘āṣer*. 10(1), 253–278.
25. Miransari, A. (1386). Jalveh-hā’i az rowshanfekri-ye Irāni dar āstāneḥ-ye qarn-e bistom (Bar asās-e resāleh-ye Mikādonāmeḥ). *Āyeneḥ-ye Mirās*, 5(4), 138–151.

English References

26. Krippendorff, K. (2004). *Content analysis: An introduction to its methodology*. Thousand Oaks, CA: Sage Publications.
27. Neuendorf, K. A. (2002). *The content analysis guidebook*. Thousand Oaks, CA: Sage Publications.